

ارتباط رشد اقتصادی با رشد صنعت بیمه

ابراهیم کاردگر

مقدمه

ساختار اقتصادی هر کشور از سه بخش صنعت، کشاورزی و خدمات تشکیل شده که فعالیت‌های این سه بخش شکل دهنده تولید ناخالص داخلی آن کشور است. بدین منوال، هر بخش در فعالیت‌های اقتصادی ارزش افزوده ایجاد می‌کند که از حاصل جمع ارزش افزوده این سه بخش، تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید. شرکت‌های بیمه، خدمت ارائه می‌کنند، لذا فعالیت بیمه‌ای در بخش خدمات گنجانده می‌شود. خدماتی که بیمه‌گر ارائه می‌کند، خدمات واسطه‌ای است. صنعت بیمه از طریق ایجاد ارزش افزوده، براساس حق بیمه منهای تعهدات پرداخت شده یا قابل پرداخت در ارتباط با زیان‌های وارده، به شکل‌گیری درآمد ملی کمک می‌کند. این ارزش افزوده برای پرداخت حقوق و کارمزد، سود سهام و مالیات‌های غیر مستقیم تخصیص می‌یابد. هدف اصلی این مقاله بیان ارتباط حق بیمه سرانه (رشد صنعت بیمه) و تولید ناخالص داخلی سرانه (رشد اقتصادی) به صورت کمی (مقداری) است.

روند رشد اقتصادی

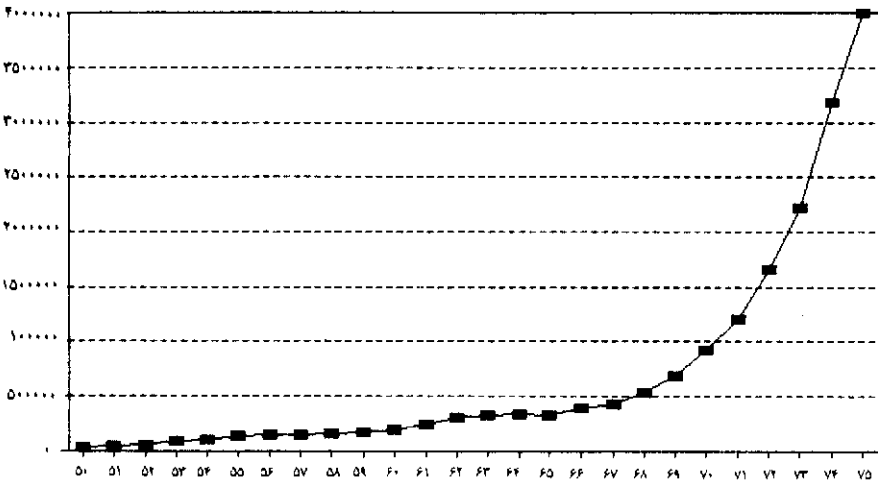
برای تحلیل، دوره مطالعه را به سه مقطع قبل از انقلاب (۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶)، انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷) و بعد از جنگ (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵) تقسیم می‌کنیم. مطابق جدول، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در مقطع اول مثبت بوده که این نرخ برای سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ به طور نوسانی فزاینده و کاهنده است. سال‌های ۱۳۵۳، ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ نقاط عطف این مقطع هستند که دلیل اصلی آن را می‌توان افزایش قیمت نفت در آن سال‌ها دانست. مقطع دوم، با خود علاوه بر انقلاب و جنگ، مانع تراشی

اقتصادی و نفتی دنیای غرب را به همراه داشته است. با وجود این، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه به استثنای دو سال ۱۳۵۷ و ۱۳۶۱ مثبت بوده، ولی از روند مشخصی پیروی نمی کرده است. در مقطع سوم نیز، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه مثبت بوده که این نرخ برای سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ فزاینده و برای سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ به طور نوسانی کاهش یافته و فزاینده است. گفتنی است که در سال‌های بعد از جنگ - از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ - در برنامه اول توسعه اقتصادی بودیم که رشد پیوسته صعودی را می توان از سیاست‌های تعدیل از طریق آزاد سازی اقتصادی با استفاده از سیاست‌های جدید ارزی و رفع ممانعت‌های تجاری دانست. در این زمینه، متوسط نرخ رشد برای دوره بعد از جنگ ۳۳/۱ درصد است. بیشترین و کمترین نرخ رشد در طی دوره مورد مطالعه را به ترتیب در سال ۱۳۵۳ (۶۶/۷ درصد) و ۱۳۵۷ (۵/۴- درصد) شاهدیم. به عبارت دیگر، اثر واقعه افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۳ و وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ را در اقتصاد ایران دید. برای مشاهده بهتر وضعیت روند تولید ناخالص داخلی سرانه و رشد آن در اقتصاد ایران، جدول و نمودارهای زیر ارائه شده است.

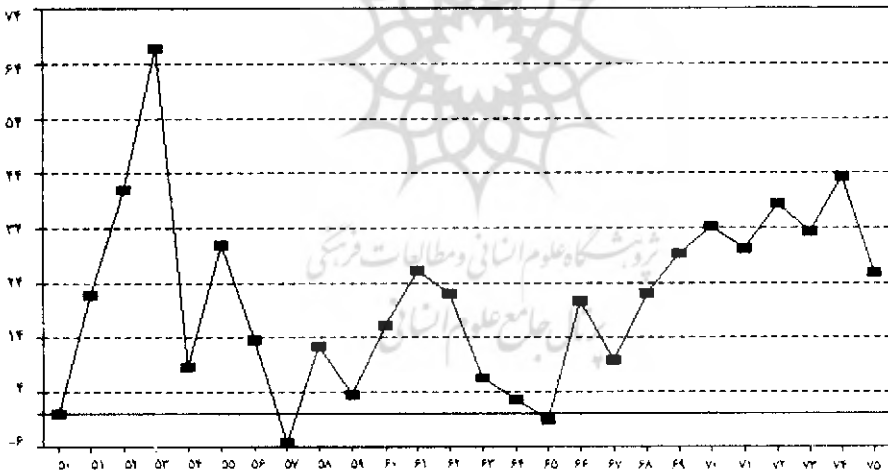
تولید ناخالص داخلی سرانه و رشد آن (۱۳۵۰ - ۱۳۷۵) (ارقام به ریال و درصد)

سال	تولید ناخالص داخلی سرانه	رشد تولید ناخالص داخلی سرانه	سال	تولید ناخالص داخلی سرانه	رشد تولید ناخالص داخلی سرانه
۱۳۵۰	۳۳۱۱۹/۶۸	-	۱۳۶۳	۳۲۳۹۲۹	۶/۵
۱۳۵۱	۴۰۳۰۴/۷۱	۲۱/۷	۱۳۶۴	۳۳۱۵۰۹/۵	۲/۶
۱۳۵۲	۵۶۸۲۱/۲۳	۴۱	۱۳۶۵	۳۲۸۱۸۰/۸	-۱
۱۳۵۳	۹۴۷۰۵/۳۶	۶۶/۷	۱۳۶۶	۳۹۵۸۱۳/۵	۲۰/۶
۱۳۵۴	۱۰۲۹۰۷/۱	۸/۷	۱۳۶۷	۴۳۴۹۸۹/۸	۹/۹
۱۳۵۵	۱۳۴۹۲۰/۵	۳۱/۱	۱۳۶۸	۵۳۱۷۲۹/۱	۲۲/۲
۱۳۵۶	۱۵۳۲۴۴	۱۳/۵	۱۳۶۹	۶۸۸۰۱۹/۴	۲۹/۴
۱۳۵۷	۱۴۴۸۶۲/۸	-۵/۴	۱۳۷۰	۹۲۳۰۹۴/۲	۳۴/۲
۱۳۵۸	۱۶۲۹۸۰/۵	۱۲/۵	۱۳۷۱	۱۲۰۱۳۲۴	۳۰/۱
۱۳۵۹	۱۶۸۸۰۱/۵	۳/۶	۱۳۷۲	۱۶۶۳۵۷۴	۳۸/۵
۱۳۶۰	۱۹۶۱۸۳/۳	۱۶/۲۲	۱۳۷۳	۲۲۱۷۵۲۳	۳۳/۳
۱۳۶۱	۲۴۸۴۶۳/۱	۲۶/۶	۱۳۷۴	۳۱۷۸۴۸۰	۴۳/۳
۱۳۶۲	۳۰۳۴۷۵/۹	۲۲/۱	۱۳۷۵	۳۹۹۶۳۰۴	۲۵/۷

تولید ناخالص داخلی سرانه (۱۳۵۰-۱۳۷۵)



رشد تولید ناخالص داخلی سرانه (۱۳۵۰-۱۳۷۵)



وضعیت شاخصهای فعالیت بیمه

از آنجا که ارقام دوره مورد مطالعه (حق بیمه دریافتی) اسمی است و به دلیل آن که این ارقام تحت تأثیر عواملی از جمله تورم و تغییر متغیرهای کلان اقتصادی قرار دارد لذا نمی‌تواند چنان‌که باید بیان‌کننده میزان نفوذ بیمه در اقتصاد باشد. به همین سبب برای ارزیابی فعالیت بیمه از شاخصهای زیر استفاده می‌کنیم.

۱. حق بیمه سرانه

حق بیمه سرانه (رشد صنعت بیمه)، از حاصل تقسیم حق بیمه دریافتی به جمعیت کشور به دست می‌آید. همان طور که از تعریف پیداست، تغییراتش تحت تأثیر دو عامل (حق بیمه دریافتی و جمعیت کشور) قرار دارد. به عبارت دیگر، حق بیمه سرانه مبین این است که هر فرد در جامعه چه قدر برای بیمه هزینه می‌کند. برای تحلیل بهتر این شاخص، از جدول زیر استفاده می‌کنیم.

حق بیمه سرانه و رشد آن (۱۳۵۰ - ۱۳۷۵) (ارقام به ریال و درصد)

سال	حق بیمه سرانه	نرخ رشد	سال	حق بیمه سرانه	نرخ رشد
۱۳۵۰	۱۵۱	-	۱۳۶۳	۸۷۲	-۱۶
۱۳۵۱	۱۸۳	۲۱	۱۳۶۴	۸۶۸	-۰/۰
۱۳۵۲	۲۶۷	۴۶	۱۳۶۵	۷۴۸	-۱۴
۱۳۵۳	۵۱۸	۹۴	۱۳۶۶	۸۵۲	۱۳/۹
۱۳۵۴	۵۶۴	۹	۱۳۶۷	۸۹۳	۴/۸
۱۳۵۵	۷۴۰	۳۱	۱۳۶۸	۱۲۹۳	۴۴/۸
۱۳۵۶	۷۵۱	۲	۱۳۶۹	۲۰۱۱	۵۵/۳
۱۳۵۷	۷۴۶	-۰/۰	۱۳۷۰	۲۹۰۱	۴۴/۳
۱۳۵۸	۵۶۹	-۲۴	۱۳۷۱	۴۰۸۹	۴۱
۱۳۵۹	۶۹۵	۲۲	۱۳۷۲	۶۷۳۷	۶۴/۸
۱۳۶۰	۶۶۹	-۴	۱۳۷۳	۸۸۵۰	۳۱/۴
۱۳۶۱	۹۷۴	۴۶	۱۳۷۴	۱۴۹۸۸	۶۹/۴
۱۳۶۲	۱۰۳۳	۶	۱۳۷۵	۲۰۷۳۶	۳۸/۴

مأخذ: تحولات بیمه‌های بازرگانی در ایران از آغاز تا ۱۳۷۰. بیمه مرکزی ایران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های بیمه‌ای، تهران ۱۳۷۲.

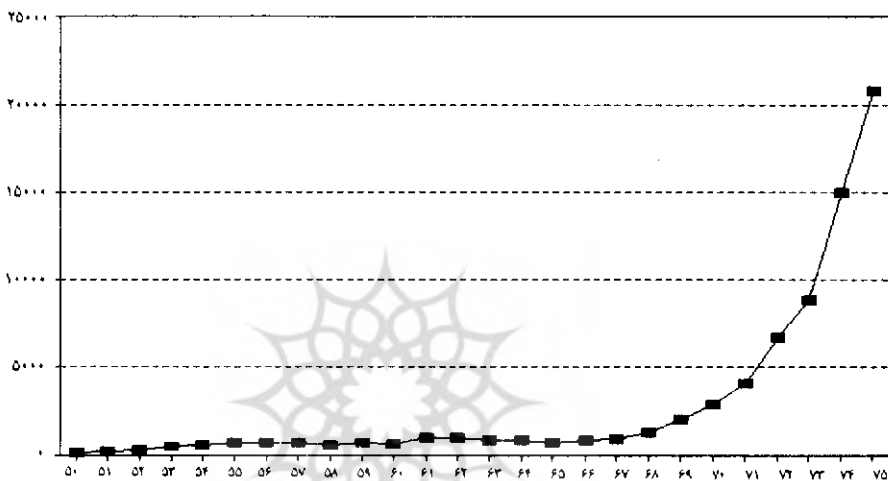
برای تحلیل، دوره مورد مطالعه را به سه بخش تقسیم می‌کنیم: الف) دوره قبل از انقلاب، ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷. در طی این مدت حق بیمه سرانه، نرخ رشد مثبت داشته که این نرخ رشد برای سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ فزاینده و برای سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ به طور نوسانی کاهنده و فزاینده بوده است. با مشاهده نرخ‌های رشد طی این دوره آشکار

می‌شود که سال‌های ۱۳۵۳، ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ نقاط عطف رشد صنعت بیمه هستند، که دلیل اصلی آن را می‌توان در تکان نفتی ۱۳۵۳ دانست که بر اقتصاد کشور اثر گذاشته و غیر مستقیم بر رشد صنعت بیمه (حق بیمه سرانه) مؤثر بوده است؛ ب) دوره انقلاب و جنگ تحمیلی، ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸. کشور ما در این دوره ابتدا درگیر وقایع انقلاب و سپس جنگ با عراق بود. به همین دلیل حق بیمه سرانه در طی این دوره از روند مشخصی تبعیت نمی‌کند. مطابق جدول، برای این دوره نرخ رشد حق بیمه سرانه در سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۶۰، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ منفی و برای بقیه سال‌ها مثبت است. بنابراین آثار وقایع انقلاب، جنگ و مانع‌تراشی‌های اقتصادی و نفتی دنیای غرب را می‌توان به طور مستقیم در اقتصاد و غیر مستقیم در رشد صنعت بیمه مشاهده کرد. باید به این نکته نیز اشاره کرد که رشد صنعت بیمه به عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره وابسته است؛ پ) بعد از جنگ، ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵. تا قبل از انقلاب حاکمان وقت، در وضعیت نامتعادل مالی (کسری بودجه) به استقراض خارجی متوسل می‌شدند که این امر به عدم تعادل پولی و عدم تعادل خارجی منجر نمی‌شد. ولی بعد از انقلاب، به دلیل در دسترس نبودن وام خارجی، دولت برای حل معضل کسری بودجه به استقراض از بانک مرکزی روی آورد. بنابراین، وضعیت نامتعادل مالی، هم عدم تعادل پولی و هم عدم تعادل خارجی را به همراه داشته است. بعد از جنگ، برنامه‌ریزان اقتصادی برای به غلتک انداختن اقتصاد کشور به سوی توسعه یا به عبارت دیگر، حل عدم تعادل‌های موجود، برنامه اول توسعه اقتصادی را تنظیم کردند. بنابراین برای رسیدن به این مهم (توسعه) متصدیان امور، سیاست‌های تعدیل اقتصادی را از طریق خصوصی سازی و سیاست‌های جدید ارزی (نرخ‌های رقابتی، شناور و غیره) آغاز کردند. آغاز این سیاست‌ها به متغیرهای کلان اقتصادی از جمله سرمایه‌گذاری، صادرات، واردات و غیره فرصتی داد که رشد نسبتاً بالایی را تجربه کنند، که به تبع آن‌ها حق بیمه دریافتی نیز رشد یافته است.

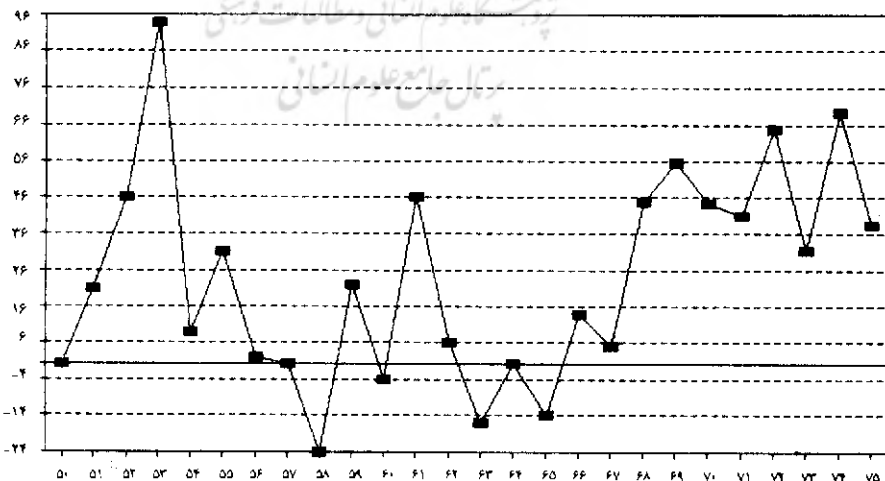
نرخ رشد این شاخص در طی دوره مثبت بوده، که این نرخ برای سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ فزاینده، برای سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱ کاهنده و برای سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ به طور نوسانی فزاینده و کاهنده است. شایان ذکر است که متوسط نرخ رشد برای این دوره ۴۷/۵ درصد است. بیشترین و کمترین نرخ رشد در طی دوره مطالعه را به ترتیب در سال ۱۳۵۳ (۹۴ درصد) و ۱۳۵۸ (۲۴ درصد) شاهدیم. به عبارت دیگر می‌توان

شاخص بودن نرخ رشد در سال ۱۳۵۳ را در افزایش قیمت نفت و حد پایین نرخ رشد در سال ۱۳۵۸ را در وقایع انقلاب و ملی کردن صنعت بیمه که وضعیت بیمه چندان معلوم نبود، دانست. برای مشاهده بهتر وضعیت روند این شاخص و رشد آن در صنعت بیمه ایران، نمودارهای زیر ارائه می شود.

حقوق بیمه سرانه (۱۳۵۰-۱۳۷۲)



رشد حقوق بیمه سرانه (۱۳۵۰-۱۳۷۵)



۲. شاخص نسبت حق بیمه سرانه به تولید ناخالص داخلی

شاخص نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی، چون از واحد مبراست، لذا نفوذ صنعت بیمه را بهتر از حق بیمه سرانه بیان می‌کند. برای تحلیل بهتر جدول زیر را می‌آوریم.

نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی (۱۳۵۰-۱۳۷۵) (ارقام به درصد)

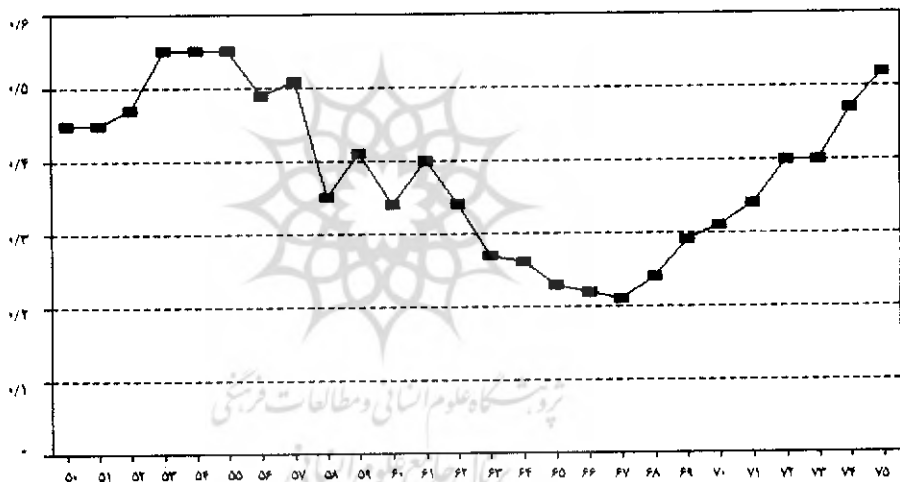
سال	نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی	سال	نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی
۱۳۵۰	۰/۴۵	۱۳۶۳	۰/۲۲
۱۳۵۱	۰/۴۵	۱۳۶۴	۰/۲۶
۱۳۵۲	۰/۴۷	۱۳۶۵	۰/۲۶
۱۳۵۳	۰/۵۵	۱۳۶۶	۰/۲۲
۱۳۵۴	۰/۵۵	۱۳۶۷	۰/۲۱
۱۳۵۵	۰/۵۵	۱۳۶۸	۰/۲۲
۱۳۵۶	۰/۴۹	۱۳۶۹	۰/۲۹
۱۳۵۷	۰/۵۱	۱۳۷۰	۰/۳۱
۱۳۵۸	۰/۳۵	۱۳۷۱	۰/۳۲
۱۳۵۹	۰/۴۱	۱۳۷۲	۰/۴۰
۱۳۶۰	۰/۳۴	۱۳۷۳	۰/۴۰
۱۳۶۱	۰/۴۰	۱۳۷۴	۰/۴۷
۱۳۶۲	۰/۳۴	۱۳۷۵	۰/۵۲

• مأخذ: همان.

همان طور که از تعریف بر می‌آید، روند این شاخص را روند دو متغیر، حق بیمه دریافتی و تولید ناخالص داخلی، تحمیل می‌کنند. اگر مطابق تحلیل جدول‌های قبلی، دوره مورد مطالعه را به سه قسمت تقسیم کنیم، در دوره قبل از انقلاب مشاهده می‌شود که از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ نفوذ صنعت بیمه در اقتصاد (تقاضای بیمه) روند صعودی دارد. در سال ۱۳۵۶، کاهش ۰/۰۶ درصد را در این شاخص، در مقایسه با سال ۱۳۵۵ مشاهده می‌کنیم، که دلیل اصلی آن را می‌توان در تقلیل اثر تکان نفتی در سال ۱۳۵۳ دانست. گفتمانی است که متوسط این شاخص برای دوره قبل از انقلاب به ۰/۵ درصد رسیده بود. در سال‌های انقلاب و جنگ (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷)، چون حق بیمه دریافتی و تولید ناخالص داخلی به دلایل انقلاب، جنگ و مانع تراشی‌های نفتی و اقتصادی دنیای غرب، از روند مشخصی تبعیت نمی‌کردند، بنابراین، این شاخص نیز روند مشخصی در طی این دوره نداشت. متوسط این شاخص برای این دوره ۰/۳۲ درصد بود. از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵ این شاخص به سبب روند صعودی متغیرهای کلان اقتصادی از جمله صادرات،

واردات، سرمایه‌گذاری و غیره، روند صعودی داشت. به عبارت دیگر طی این سال‌ها تقاضا برای بیمه (نفوذ بیمه در اقتصاد) افزایش یافته است. متوسط این شاخص طی دوره، ۰/۳۷ درصد بود. بیشترین و کمترین این شاخص در طی دوره مورد مطالعه (۱۳۵۰ تا ۱۳۷۵) را سال‌های ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵ (۰/۵۵ درصد) و ۱۳۶۱ (۰/۰۴ درصد) به خود اختصاص دادند. متوسط این شاخص برای کل دوره مورد مطالعه به ۰/۳۹ درصد می‌رسد که در مقایسه با کشورهای در حال توسعه‌ای نظیر ترکیه (۰/۸۱ درصد)، هند (۱/۸۴ درصد) و پاکستان (۰/۸۴ درصد) - آمار سال ۱۹۹۴ - باز هم عقب است. برای مشاهده بهتر وضعیت روند این شاخص در صنعت بیمه ایران، نمودار زیر را می‌آوریم.

نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی (۱۳۷۵-۱۳۵۰)



۳. شاخص کسش درآمدی تقاضا برای بیمه

شاخص کسش درآمدی تقاضا برای بیمه، از حاصل تقسیم درصد تغییرات در حق بیمه دریافتی به درصد تغییرات در تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید. این شاخص نشان می‌دهد که اگر تولید ناخالص داخلی به میزان درصد معینی افزایش یابد، تقاضا برای بیمه (برحسب حق بیمه) تا چند درصد افزایش می‌یابد. هنگامی که کسش برابر واحد است، رشد حق بیمه معادل رشد عمومی اقتصاد است. مقادیر کسش بزرگ‌تر از واحد (تقاضا با کسش) به مفهوم تغییری نسبتاً بیشتر در رشد حق بیمه است و مقادیر کسش کوچک‌تر از واحد (تقاضای بی کسش) به مفهوم تغییر نسبتاً کمتر در رشد حق بیمه است. کسش منفی بدین معنا خواهد بود که تقاضا برای بیمه در شرایطی که درآمد

افزایش می‌یابد کاهش خواهد یافت. در این مورد که حالت نسبتاً بعیدی دارد، بیمه کالایی عادی نیست بلکه کالایی با مطلوبیت کمتر تلقی خواهد شد.^۱ برای بررسی وضعیت این شاخص در صنعت بیمه کشورمان از جدول زیر استفاده می‌کنیم.

کشش درآمدی تقاضا برای بیمه (۱۳۵۰ - ۱۳۷۵) (ارقام به درصد)

سال	کشش درآمدی تقاضا برای بیمه	سال	کشش درآمدی تقاضا برای بیمه
۱۳۵۰	۰/۹	۱۳۶۳	-۱/۴۴
۱۳۵۱	۱	۱۳۶۴	۰/۵۴
۱۳۵۲	۱/۰۷	۱۳۶۵	-۴/۲۳
۱۳۵۳	۱/۲	۱۳۶۶	۰/۷۵
۱۳۵۴	۱	۱۳۶۷	۰/۵۸
۱۳۵۵	۱	۱۳۶۸	۱/۶۳
۱۳۵۶	۰/۳۴	۱۳۶۹	۱/۵۳
۱۳۵۷	-۱/۷۵	۱۳۷۰	۱/۱۹
۱۳۵۸	-۱/۸	۱۳۷۱	۱/۲۳
۱۳۵۹	۲/۹۹	۱۳۷۲	۱/۳۹
۱۳۶۰	-۰/۰۰۲	۱۳۷۳	۰/۹۶
۱۳۶۱	۱/۴۱	۱۳۷۴	۱/۳۴
۱۳۶۲	۰/۴۳	۱۳۷۵	۱/۳۳

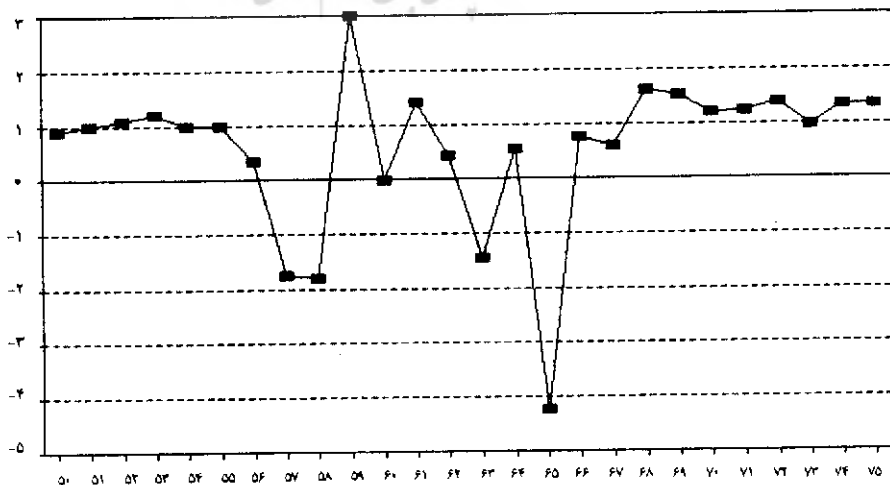
مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره حساب‌های اقتصادی و تحولات بیمه‌های بازرگانی در ایران از آغاز تا ۱۳۷۰، بیمه مرکزی ایران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های بیمه‌ای، تهران: ۱۳۷۲.

مطابق جدول، متوسط کشش درآمدی تقاضا برای بیمه طی دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷، ۰/۹۳ درصد است. بنابراین با کمی اغماض می‌توان گفت که رشد حق بیمه دریافتی، قبل از انقلاب معادل رشد عمومی اقتصاد بود. نکته درخور توجه این‌که اثر تکان نفتی سال ۱۳۵۳ را می‌توان در این شاخص مشاهده کرد؛ به طوری که کشش درآمدی تقاضا برای بیمه در این سال از کشش درآمدی تقاضای بیمه برای مابقی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ بزرگ‌تر است. مقدار عددی این شاخص در سال ۱۳۵۳ برابر ۱/۲ درصد است، یعنی تقاضا برای بیمه در این سال با کشش یا به عبارتی دیگر رشد حق بیمه دریافتی بیشتر از رشد عمومی اقتصاد بود. طی دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷، به دلیل انقلاب، جنگ و مانع‌تراشی‌های نفتی و اقتصادی دنیای غرب، این شاخص نیز از روند مشخصی پیروی

نکرد. مطابق جدول، کسش درآمدی تقاضا برای بیمه برای سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۶۰، ۱۳۶۳ و ۱۳۶۵ منفی است؛ منفی بودن این شاخص یعنی این‌که بیمه کالایی عادی نبوده بلکه کالایی با مطلوبیت کمتر (پست) تلقی می‌شده است به طوری که با افزایش درآمد، تقاضا برای آن کاهش می‌یافته است. متوسط این شاخص برای دوره انقلاب و جنگ به ۰/۲۶- درصد می‌رسد و گویای این مطلب است که تقاضای بیمه در طی این دوره تقاضای باکسش منفی است. به عبارت دیگر در طی این دوره با افزایش درآمد، تقاضا برای بیمه کاهش می‌یابد یا این‌که بیمه در دوره انقلاب و جنگ یک کالای پست بود. مطابق جدول، طی دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵، کسش درآمدی تقاضا برای بیمه، جز برای سال ۱۳۷۳ که تقریباً برابر یک است، بزرگ‌تر از واحد است. به عبارتی تقاضا برای بیمه با کسش یا اینکه رشد حق بیمه دریافتی بیشتر از رشد عمومی اقتصاد بود. علت بهبود این شاخص طی دوره را می‌توان در اتمام جنگ و اتخاذ سیاست‌های تعدیل از طریق خصوصی سازی دانست. متوسط این شاخص برای دوره به ۱/۳۳ درصد رسید. مطلب دیگر، متوسط کسش درآمدی تقاضا برای بیمه طی دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۵ (دوره مورد مطالعه) است که به ۰/۵۶ درصد رسید. بنابراین بیمه طی دوره مورد مطالعه یک کالای بی‌کسش در مقایسه با تولید ناخالص داخلی است، یا به عبارت دیگر رشد حق بیمه دریافتی از رشد عمومی اقتصاد کم‌تر بود. برای مشاهده بهتر وضعیت روند این شاخص در صنعت بیمه ایران، نمودار زیر ارائه می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کسش درآمدی تقاضا برای بیمه (۱۳۵۰-۱۳۷۵)



تحلیل تجربی ارتباط بین رشد اقتصادی و رشد صنعت بیمه

مدل: برای به دست آوردن معادله‌ای که باید تخمین زده شود، قضیه نظری زیر فرض می‌شود:

— درآمد بیمه تابع صعودی از تولید ناخالص داخلی کشور است، لذا معادله پیشنهادی را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$\log PE = \alpha + \beta \log MED + U$$

که

PE = حق بیمه سرانه.

MED = تولید ناخالص داخلی سرانه.

α β = پارامترهای مدل.

U = جزء اختلال مدل.

مدل پیشنهادی را به وسیله بسته کامپیوتری TSP به شرح زیر تخمین می‌زنیم.

$$LPE = -5/55 + 0/999 LMED$$

$$T - STAT. \quad (-16) \quad (122)$$

$$STD. ERROR \quad (0/35) \quad (0/01)$$

$$R - Squared = 0/99$$

$$Adjusted R - Squared = 0/985$$

$$Durbin - watson stat = 2/02 \quad \text{با } AR(1)$$

$$F - Statistic = 874$$

گام اول در تفسیر مدل برآورد شده، سازگاری با تئوری است. به دلیل اینکه علامت β برآورد شده مثبت است بنابراین با فرض این‌که درآمد بیمه تابع صعودی از تولید ناخالص داخلی کشور است، سازگار است. مرحله بعدی آزمون ضرایب برآورده شده است. برای این کار از آزمون t -استودنت استفاده می‌کنیم. به دلیل این‌که t چه برای عرض از مبدأ و چه برای شیب مدل از ۲ بیشتر است بنابراین فرضیه H_0 (نبود رابطه بین درآمد بیمه و تولید ناخالص داخلی) رد و فرضیه مقابل H_a (وجود رابطه بین درآمد بیمه و تولید ناخالص داخلی) پذیرفته می‌شود.

R^2 در هر مدل تخمین زده شده قدرت توضیح دهندگی متغیر مستقل را نشان می‌دهد. در این مدل برآورد شده $R^2 = 99\%$ است. یعنی متغیر مستقل ۹۹ درصد

تغییرات وابسته را توضیح می‌دهد. $AR(1)$ ، چون برای برآورد مدل از سری زمانی استفاده کردیم، بین جزء اختلال خود همبستگی ایجاد شده که برای رفع آن از تفاضل مرتبه اول مارکف $[AR(1)]$ استفاده کردیم.

$\beta = 99.9\%$ ، یعنی اگر تولید ناخالص داخلی سرانه یک درصد رشد کند، صنعت بیمه 0.999% درصد رشد خواهد کرد. به عبارت دیگر کاهش درآمدی تقاضا برای بیمه 0.999% درصد است یا این که تولید ناخالص داخلی سرانه 0.999% درصد در رشد صنعت بیمه نقش دارد. با کمی اغماض اگر ضریب β را برابر واحد بگیریم، باید در تفسیرش گفت که رشد صنعت بیمه برابر با رشد عمومی اقتصاد است. برای این که این ارتباط بیشتر و بیشتر شود نیاز است که در ساختار صنعت بیمه تغییراتی داده شود که از جمله اجازه دادن به بخش خصوصی برای فعالیت است. همچنین بیمه مرکزی ایران که در رأس هرم این صنعت قرار دارد باید زمینه را چنان مناسب کند که فرهنگ بیمه در کشور گسترش یابد. ■

